

**نگرشی نو به مقوله آموزش خانواده در پیشگیری
از بزهکاری (پیشگیری خانواده مدار)
با رویکرد به بزهکاری اطفال**

مؤلفان:

دکتر مسعود جباری

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خراسان (خواراسگان)

روح الله شفیعی

نویسنده و پژوهشگر حوزه جرم شناسی (پرستل قوه قضائیه)

سرشناسه	: حیدری، مسعود، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: نگرشی نو به مقوله آموزش خانواده در پیشگیری از بزهکاری: (پیشگیری خانواده‌مدار) با رویکرد بزهکاری اطفال / مسعود حیدری، روح‌الله شفیعی.
مشخصات نشر	: اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۵۰۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۴۵۹۸-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: بزهکاری نوجوانان - پیشگیری - خانواده‌ها - روان‌درمانی خانواده
موضوع	: Juvenile delinquency - Prevention - Families - Family psychotherapy
شناسه افزوده	: شفیعی، روح‌الله، ۱۳۶۵ -
شناسه افزوده	: دانشگاه آزاد اسلامی. واحد خوراسگان
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ن ۸ ح ۹۷۷ HV۹۰
رده‌بندی دیویی	: ۳۶ / ۳۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۵۰

ناشر: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
 نشر: اصفهان، خیابان جی، صندوق پستی: ۸۱۵۹۵-۱۵۸
 تلفن: ۰۳۱-۳۵۳۵۴۰۰۱، ۰۳۱-۳۵۴۰۶۰؛ فکس: ۰۳۱-۳۵۴۰۶۰
 Email: info@khuisf.ac.ir



نگرشی نو به مقوله آموزش خانواده در پیشگیری از بزهکاری (پیشگیری خانواده‌مدار) با رویکرد به بزهکاری اطفال

مؤلفین: دکتر مسعود حیدری - روح‌الله شفیعی

ویراستار: مرضیه قصابان

مدیر مسئول: دکتر مجید طغیانی

مدیر تولید: فاطمه دادرس

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۷

چاپ: الغدير

قیمت: ۴۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۴۵۹۸-۴

مرکز فروش: ۰۳۱-۳۵۳۵۴۱۷۰

© حق چاپ محفوظ است.

۷	پیشگفتار
۱۷	مقدمه
۲۹	بخش اول: خانواده درمانی
	فصل اول: مفهوم و چیستی خانواده درمانی
۳۰	مبحث اول: ثمر بخش بودن خانواده درمانی
۳۳	مبحث دوم: درمان اختلال
۳۶	مبحث سوم: برنامه‌های خانواده درمانی پیشگیری از بزهکاری زود هنگام
۵۴	مبحث چهارم: تعریف انواع پیشگیری
۵۹	فصل دوم: روان‌درمانی خانواده‌های سالم و نابه‌هنجار
۶۵	مبحث اول: ویژگی‌های خانواده‌ی سالم
۷۷	مبحث دوم: ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده
۸۶	مبحث سوم: انواع الگوهای ارتباطی خانواده
۸۹	مبحث چهارم: الگوهای رشد و ساختارهای شده
۹۵	مبحث پنجم: ساختار و عملکرد خانواده
۱۰۱	مبحث ششم: آسیب‌شناسی خانواده
۱۲۳	مبحث هفتم: تلویحات سلامت بر کار با خانواده‌ها
۱۴۱	بخش دوم: آموزش خانواده و بزهکاری کودکان
۱۷۳	فصل اول: مشکلات سلوکی در چرخه‌ی خانواده
۱۹۶	مبحث اول: اختلال سلوک و نزاع طلبی مقابله‌ای، پرخاشگری، دزدی، دروغ‌گویی، بزهکاری
۲۰۱	مبحث دوم: خود سری و نافرمانی کودک و علل آن
۲۰۳	مبحث سوم: قابل توجه بودن درمان
۲۰۶	مبحث چهارم: مبنای درمان خودسری / نافرمانی
۲۱۵	مبحث پنجم: جنبه‌های مهم تعاملات نابهنجار و الدین - کودک
۲۲۱	مبحث ششم: علل خودسری / نافرمانی در کودکان
۲۳۱	مبحث هفتم: آسیب‌شناسی
۲۴۱	مبحث هشتم: چگونگی فرایندهای علی
۲۴۷	مبحث نهم: مدل سیستمی اختلالات سلوکی
۲۴۹	مبحث دهم: تحول رفتارهای برونی‌سازی مشکل‌دار
۲۵۲	مبحث یازدهم: تغییرات در ویژگی‌های جامعه‌سستیزی در طول زمان
۲۵۵	فصل دوم: درمان مبتنی بر خانواده
۲۵۷	مبحث اول: بررسی مشکلات رفتاری کودک
۲۹۰	مبحث دوم: پیشگیری از بزهکاری زود هنگام

۲۹۶.....	مبحث سوم: تشریح برنامه‌های پیشگیری.....
۳۰۳.....	مبحث چهارم: پیشگیری کنشی از بزهکاری کودکان.....
۳۰۷.....	مبحث پنجم: پیشگیری واکنشی از بزهکاری کودکان.....
۳۱۱.....	مبحث ششم: آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به کودکان.....
۳۱۸.....	مبحث هفتم: طراحی برنامه‌های پیشگیرانه.....
۳۲۵.....	مبحث هشتم: آموزش مهارت‌های حل مسئله.....
۳۳۲.....	مبحث نهم: تکنیک‌های شرطی‌سازی کنشگر.....
۳۴۳.....	مبحث دهم: درمان مبتنی بر والدین و خانواده(آموزش تدبیر والدین).....
۳۵۶.....	مبحث یازدهم: دوره‌های آموزش اطاعت.....
۳۵۹.....	مبحث دوازدهم: روش‌های خاص تنبیهی جهت کاهش نافرمانی، مقابله جویی، و پرخاشگری کودکان.....
۳۶۶.....	مبحث سیزدهم: نظارت بر پیشرفت رفتار کودک.....
۳۷۵.....	فصل سیزدهم: تجانس محتوای کمی.....
۴۳۱.....	ضمائم.....
۴۵۳.....	فهرست منابع.....

www.ketab.ir

پیشگفتار

به دنیا آمدن ضروری است، اما ادامه‌ی آن موضوعی است به تمامی از جنس تصادف و اتفاق تاریخی. این کار حاوی دیدی مصیبت بار در ارتباط با پایان کودکی است به نحوی که آن را می‌شناسیم، و فروپاشی مقوله‌ی است اجتماعی که در چهارچوب و بطن آن سکنا می‌گزینند. همه‌ی اینها اکنون قلمرو آگاهی بزرگسالان است، اما به چه قیمتی؟ به این ترتیب، مبحثی واقعی برملا می‌شود. دوران کودکی از تاریخی نسبتاً متأخر برخوردار است و اساساً از زمان فراگیر شدن سواد و آموزش همگانی در اذهان شکل گرفته است.

رسانه‌های معاصر دوران مدرنیته‌ی متأخر کارکرد متفاوتی دارند و طبقه‌بندی‌های جا افتاده را به هم می‌ریزند. رسانه‌های جدید از طریق مفهوم خود ساخته‌ی چند تکنیکی، کندوکاو می‌کند، نوعی سلطه‌ی فرهنگی تصویری و تصویر آفرینی که وی آن را به شکل فیلم و تلویزیون و اخیراً در هرزه‌نگاری‌های کامپیوتری و وبگردی در اینترنت می‌بیند. این قالب‌های جدید رسانه‌ها اکنون به صورت قاعده‌ی اساسی از بین کودک و بزرگسال، ناشی از یک بی‌تفاوتی نسبت به اختلاف ایجاد شده از طریق «سرف جویی» در تولید یا انگیزش به ایجاد مقوله‌های جدید و یکنواخت مصرف‌کننده را، تحلیل می‌برند. سر نتیجه کودکی در حال از بین رفتن است. کودک، دستخوش خشونت پر دامنه، تمایلات جنسی پرول، بهره‌کشی لگام گسیخته و دعوت مداوم و پیوسته به مصرف، نمی‌تواند قلمرو هستی‌مندی را حفظ کند و نگه دارد. به این ترتیب، رسانه‌های جدید این پیام را ایجاد و منتقل می‌کنند که دوران کودکی دیگر وجود نخواهد داشت. گواه نابودی و انقراض کودکی از منابع متعدد و متنوعی به دست می‌آید. مثلاً این مدرک در خود رسانه‌ها به نمایش درآمد، زیرا رسانه‌ها نه تنها سرنگونی کودکی را در شکل و بافت خود رواج می‌دهند، بلکه زوال آن را نیز در محتوای خود منعکس می‌کنند. مدارک و اسنادی بر تلفیق سلیقه و سبک کودکان و بزرگسالان، و همچنین در تغییر چشم اندازهای اجتماع، ارتباط به نهادهایی چون قانون، مدارس، و انواع ورزش یافت می‌شوند. شواهدی بر انواع فعالیتهای «وخیم» تصویری در خصوص الکلیسم، مصرف مواد مخدر، فعالیت جنسی، جرم و جنایت و... وجود دارند که اشاره‌ای به کمرنگ‌تر شدن تمایز کودکی با بزرگسالی اند.^۱

بحث ما براساس تغییر چهره رویه و فروپاشی خانواده، یا ظهور نسبتاً سرزنش‌آمیز روش‌های تربیت فرزند و پیش‌بینی جامعه‌ی طبقه‌بندی شده‌ی آتی مطابق با تجربه‌ی جامعه‌پذیری اعضای

^۱ Zimmermann, G., Mantzouranis, G., & Biermann, E(2010)Ego identity in adolescence: Preliminary validation of a French short-form of the EIPQ*Revue Europeenne de Psychologie Appliquee*, 60, 173-180.

^۲ کریس جنکس، ۱۳۸۸، دوران کودکی، ترجمه: سارا ایمانیان، تهران: نشر اختران، ص ۲۰.

آن است. اما ضروری است به طور ضمنی بپذیریم که در حس از بین رفتن، یا کم‌رنگ شدن مقوله‌ای به نام کودکی که لزوماً در بحث‌های جدی در مورد مصالح و حقوق کودکان، مسئولیت‌های شخصی و همگانی، استقلال یا وابستگی، توانمندسازی، حقوق شهروندی، استقلال مالی، و مجرم شناختن آنها مطرح است، شریک شویم. از بسیاری جهات می‌توانیم نظر دهیم که معصومیت کودکی سرانجام به نقطه‌ای پایان خود رسیده است.

از دیدگاه جامعه شناختی، مباحث ناشی از رفتار کودکانی که مرتکب جرایم شدید می‌شوند، اولاً مفهومی و نظری و ثانیاً تجربی‌اند. اما این دو جنبه پیوند تنگاتنگی دارند، زیرا واضح است که راه و رسم آنها رسیدن دوباره‌ی کودکان و تصوراتمان از کودکی خود کودکان حاوی پیامدهای عملی است. اگر کودکی بر ساخته‌ای اجتماعی است که هم شکل و هم محتوای تجارب کودکان را فراهم می‌آورد، در این صورت، راه‌هایی که بین کودکان، ارتباط برقرار می‌کنند و راه‌های برقراری آنها با زندگی روزمره، ناگزیر، در چهارچوب ساختاری مفهومی‌اند که از قبل پیش‌بینی می‌شد. به طور خلاصه، کودکان، به‌عنوان هم‌مندی‌شان، در وابستگی به قراردادهای اجتماعی محبوس و قفل می‌شوند. سرشت قابل بحث این قراردادهای اجتماعی موضوع قدرت به شمار می‌آید، که کودکان فقط می‌توانند آن را به دست مجرای تجربه کنند. آنان می‌توانند خواهان توجه شوند اما نمی‌توانند تعریف مجدد خود را تقاضا کنند. پس «کودک» چگونه تعریف می‌شود و پاسخ و واکنش کودک به این تعریف چیست؟

کودک ناگاه، بی‌تجربه و خام را در طول زمان، جامعه به گام‌های و تباهی می‌کشانند. با وجودی که این دریافت‌ها از منش و تکوین اخلاقی کودک در قرن بیستم تدوین شده، کماکان تأثیر قدرتمند و مجاب‌کننده‌ی خود را بر تخیل همگانی حفظ کرده و بر قالب چهره‌های مختلف و با پیامدهای گوناگون برای خود کودکان دوباره ظاهر شده است. مثلاً، است‌تروود درباره‌ی تمایلات جنسی کودکی (فروید، ۱۹۴۹) به بروز هیاهو و خشم شدید در همان ایام و دو دهه سوء استفاده به خاطر توسل مجدد به «گناه نخستین» در قالبی زیست‌مایه‌ای (لیبیودیوی) انجامید. به همین ترتیب، صدای اعتراض اصلاح‌گران اجتماعی قرن نوزدهم، که هندریک (۱۹۹۰) درباره‌ی آن بحث کرده، به تناوب، علاقه به نجات کودک آسیب‌پذیر به کار واداشته در کارخانه‌ها و کارهای

تولیدی و اشتیاق به حفظ معصومیت کودکی در نزد تمامی کودکان را، که تصور می‌شد در معرض تهدید بزهکاری نوجوانان طبقه‌ی کارگر قرار دارند، آشکار و فاش می‌سازد.

کیتزینگر (۱۹۹۵) نیز نشان می‌دهد که چگونه سرشت آسیب ندیده و لکه دار نشده‌ی کودکی اخیراً به صورت‌های گوناگون در بحث‌های مربوط به آزار جنسی کودک به کار گرفته شده، و استدلال می‌کند که چنین تصاویری در نزد خود کودکان مفهومی دوپهلوست. به رغم اختلاف‌ها در توصیف حالت وجودی کودکی، و هدف و نیت استفاده از توصیف آن در طول زمان، مضمون بی‌گناهی کماکان در پیوندی تنگاتنگ با «کودک» باقی مانده است. یافتن مضمون دیگری در دنیای مدرن که در چهارچوب چنین نگرش‌های کهنه و قدیمی معلق مانده باشد دشوار است. با همه‌ی این احوال، این توصیف‌ها کماکان به حیات خود ادامه می‌دهند. جان کلام اینکه، گفتمان غالب مدرن در حوزه‌ی کودکی کماکان «کودک» را ذاتاً معصوم می‌داند و هویت فرهنگی او را منفعل و وابسته، و بنابراین، غرضی از گروه اجتماعی کاملاً بی‌قدرت که به دلایل نیکخواهانه از او سلب شده می‌بیند. این نگاه به کودکان به عنوان موجوداتی برخورداری از منش ممتاز و ویژه، که هم معصوم و هم به نحوی آسیب‌پذیر هستند است، همان چیزی است که هر گونه پیوندی بین کودکان و جرم و جنایت خشن را مشکل‌ساز می‌کند. تصورات و صورت ذهنی کودکی و صورت ذهنی بزهکاری و تبه‌کاری خشن از لحاظ شباهت‌های شناسی ناسازگارند. این نگرش «گناه نخستین» حضرت آدم مدلی از کودکی است که قبلاً تحت عنوان «دیونوسوسی» تدوین شد و به صورت تصویر بالقوه‌ی مشتاق و بدون قید و اجباری تشریح شد که همواره رویه‌ی تاریک یا پشت صحنه‌ی خاموش را برای تصاویر معاصر و غالب ما از معصومیت فراهم آورده‌اند. قرن بیستم در قالب توانایی نهاد فرویدی و، پس از آن، در قالب مناقشه‌ی وابسته به آزار جنسی کودک به هیجان آمد. یک چهارچوب آزاداندیش‌تر و تفسیرگرانه ادعا کرد که است که کودکان قاتل صرفاً بی‌هنجارند.

اینکه کودکان قادر به انجام خشونت، تجاوز به عنف، سرقت همراه با خشونت و حتی جنایت هستند، ایده‌ای است که آشکارا در خارج از مرزهای فرمول‌بندی سنتی کودکی قرار می‌گیرد. مسئله‌ی مطرح شده در اینجا از نوع مسائل طبقه‌بندی است. کودکانی که دست به چنین کارهای خشونت‌باری می‌زنند معمایی را مطرح می‌کنند زیرا تقابل دو جانبه‌ی سنتی بین مقوله‌های «کودک» و «بزرگسال» را بر هم می‌زنند، تقابلی که قبلاً از طریق شرح و تفسیر عجیب و غریب زمینه‌ی اخلاقی، که پیشتر از آن یاد کردیم، به رسمیت شناخته شده و به استناد آن، معصومیت عیار «کودک» است و دانش تباه‌کننده نشانه‌ی «بزرگسال» به شمار می‌آید. این

مقوله‌ها، زمانی که با واقعیت ناگوار روبرو شدند، به طرز غیر قابل باوری، تیره و تار شدند. مرزهای مفهومی که زمانی کودک را، از طریق «هست» یا «باید» در بر می‌گرفت، به تمامی غیرقابل دفاع شدند. تلاش‌های همگانی در جهت آرام‌سازی علیرغم این سردرگمی بالقوه خطرناک به شیوه‌های متفاوتی هدایت شدند. یکی از رویکردها، خلعید مفهومی بود: کودکانی که اعمال خشونت بار انجام می‌دهند باید به کلی از مقوله‌ی «کودک» کنار گذاشته شوند. این گونه طرد، اعاده‌ی نظم اخلاقی کهن را تسهیل و گفتمان کودکی را در قالب ایدئولوژیک سنتی آن دوباره برقرار می‌کند. پژوهش‌های انسان شناختی در خصوص طبقه‌بندی اجتماعی، ما را قادر می‌سازد - این - انکشی را ناشی از مردمانی بدانیم که جهان شناسی آنان در معرض تهدید است. همان گونه که «داگلاس» نشان داده است، شناسایی بی‌هنجاری‌ها، چه در شکل گیاهان و یا در قالب جانوران، داملاً در استقرار نظم اجتماعی ادغام می‌شود: «شخص آلاینده و فاسد کننده همیشه مقصر است و در شرایط نامطلوبی پرورش یافته و یا صرفاً از برخی مرزهای ممنوع عبور کرده است و «این جابه جایی برای دیگران خطرآفرین است»^۱. بی‌هنجاری‌ها، در اصل، نتایج فرعی سیستم‌های نظم بخشند. آن‌ها، از قضاوت روزگار از طریق تفاوت‌های بارزشان، در راه تقویت مرزهایی گام بر می‌دارند که شکل و باطن به مقوله‌هایی مفهوم می‌بخشند که از آنها ناشی شده‌اند. برای کنترل کردن یا واداستن انسان‌ها به اقدام فی‌نفسه قوی است. هر تجربه انسانی از ساختارها، حاشیه‌ها، یا مرزها برای داده‌ها جامعه در دسترس است.^۲ از این بابت، با امتناع از پذیرفتن کودکانی که دست به خشونت می‌زنند، دست‌مقوله‌ی کودک، عامه‌ی مردم برای خود، بر مفهوم کودکان (و به موجب آن نیز بر تعهدش به نظم اجتماعی «مشترک» مجدداً تأکید می‌کرد. یعنی، این راهی برای بازگرداندن تصویر اولیه‌ی مسودیت ذاتی کودکان از طریق انتقال دادن برخی کودکان (آن‌ها که دست به خشونت می‌زنند) به تجربه‌ی دیگری بود که از طریق تصاویر شیطان و یا از طریق آسیب شناسی ضروری دانسته می‌شد. به این ترتیب، داغ بی‌هنجاری غیر متعارف بودن در جهت توضیح این مطلب است که چگونه برخی کودکان قادر به انجام کارهایی‌اند که سایر کودکان «عادی» نمی‌توانند انجام دهند.

^۱ هالوگ، یاوراز، ناسازگاری و بزهکاری در کودکان ۱۳۹۵، ترجمه: قدیر گلکاریان تهران: ققنوس، ص ۲۳.

^۲ کریس جنکس، ۱۳۸۸، دوران کودکی، ترجمه: سارا ایمانیان، تهران: نشر اختران، ص ۴۵ و همچنین بنگرید به: پیتز استیرنس،

۱۳۸۸، دوران کودکی در تاریخ جهان، ترجمه: سارا ایمانیان، تهران: انتشارات اختران، ص ۶۵